

تعاون و کشاورزی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱

شناسایی عوامل ساختاری - برون‌سازمانی مؤثر بر رکود شرکتهای تعاونی دهیارهای استان همدان

نگین دولتی^۱، کریم نادری مهدی^۲، حشمت الله سعدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل ساختاری-برون‌سازمانی مؤثر بر رکود تعاونیهای دهیاری استان همدان بوده است. جامعه آماری تحقیق را اعضای هیئت‌مدیره و مدیران عامل شرکتهای تعاونی دهیارهای استان همدان در برمی‌گیرد که با استفاده از جدول کرجسی مورگان، ۲۵۷ نفر به عنوان نمونه جهت تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات متناسب با نوع روش تحقیق، پرسشنامه است که روایی آن با توجه به نظر استادان و متخصصان مربوط تأیید شد. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار ضریب این آزمون بالای ۰/۸ به دست آمد. با استفاده از روش تحلیل عاملی متغیرهای ساختاری-برون‌سازمانی، ۷ عامل استخراج شدند که در مجموع ۶۱/۷۴۰ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. بر اساس نتایج، این عوامل عبارتند از: تسهیلات، اطلاعات، ساختار سازمانی، سیاستی-حمایتی، نهادی-دولتی، نظارتی-آموزشی و شورای اسلامی.

واژه‌های کلیدی:

دهیاری، تعاونی دهیاری، رکود تعاونیها، عوامل ساختاری، عوامل برون‌سازمانی

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

e-mail:knaderi@yahoo.com

۳. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

مقدمه

با نگاهی به تاریخ تعاونها در سراسر دنیا در می‌یابیم که تعاون به عنوان واقعیتی انکارناپذیر، در طول دو قرن گذشته رشد چشمگیری کرده و توانسته است ضمن حفظ حضور خود در تمام صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نیازهای طبیعی جوامع انسانی را نیز برآورده سازد (فیلین و بودوریس، ۱۳۸۸). در حقیقت کار تعاونی و مشارکتی به مردم ایمان، خودآگاهی، اعتماد به نفس، شکیبایی و استقامت می‌دهد و از آنان کارکنان مسئول می‌سازد (لهسای زاده، ۱۳۸۸). امروزه تعاونها در زمینه‌های گوناگون در سراسر جهان شکل یافته‌اند. تعاونی دهیاری از جمله انواع تعاونی است که با هدف استفاده از ظرفیتهای تعاونی برای تجمیع سرمایه و تجهیزات در روستاها و کمک به دهیارها و جامعه روستایی و تسریع در اجرای طرحهای عمرانی و خدماتی در مناطق روستایی کشور تشکیل یافته است. همچنین از آنجا که روستاها دارای منابع کافی انسانی و طبیعی هستند، استفاده بهینه از این منابع نیازمند شناسایی و سازمان‌دهی آنهاست که تشکیل دهیارها و وجود تجربه قوی تعاونها مهمترین فرصت به منظور به‌کارگیری این پتانسیلها در راستای تحقق توسعه روستایی می‌باشد (همایونی، ۱۳۸۸).

اساساً تأسیس شرکتهای تعاونی دهیاری در راستای برقراری اهداف والای تعاون و مشارکت افراد در تعیین سرنوشت خویش می‌باشد. بدین منظور شرکتهای تعاونی دهیاری که از جمله تعاونیهای نوظهور در عرصه مدیریت روستایی کشور می‌باشند، به دلیل گستردگی زمینه‌های فعالیت و پیوندی عمیق در همه ابعاد زندگی روستایی، دارای پتانسیل بسیار بالایی در جهت تحقق اهداف چندگانه توسعه روستایی می‌باشند. تعاونیهای دهیاری اگر به خوبی سازمان‌دهی شوند، از توانایی و ظرفیت ذاتی برای رشد و ایجاد منابع لازم برای چنین رشدی برخوردار خواهند شد. همچنین گفتنی است که تعاونیهای دهیاری در پیشبرد اهداف مدیریت روستایی کشور، کمک به تأمین منابع درآمدی پایدار برای دهیارها، استفاده از توان تجهیزاتی انسانی آنها جهت تسریع در آبادانی مناطق روستایی و انجام فعالیتهای انتفاعی برای تأمین سود،

قابلیتهای فراوانی دارند که در شرایط کنونی استفاده از آنها ضروری به نظر می‌رسد. نقش تعاونی دهیاری را می‌توان در رشد اقتصادی، فقرزدایی، اشتغال مولد، یکپارچگی اجتماعی محیط روستایی، ایجاد فرصتهای برابر رقابت اقتصادی در منطقه، کاهش تصدیگری دولتی، تقویت کارآفرینی، مدیریت روستایی، شکل‌گیری و بهبود کیفیت جامعه آرمانی در روستا، خودباوری و نوآوری اقتصادی مورد توجه قرار داد (همان منبع).

در حال حاضر در استان همدان ۲۴ شرکت تعاونی دهیاری وجود دارد که عمده فعالیت‌های آنها خدماتی و عمرانی است. بر اساس آمارهای اداره کل تعاون استان همدان (۱۳۸۹)، تعداد اعضای این تعاونیها در مجموع ۴۱۰ نفر است که از این تعداد ۳۹۵ نفر مرد و ۱۵ نفر زن هستند. علی‌رغم گذشت ۴ سال از تشکیل اولین تعاونی دهیاریها در استان، فعالیت چشمگیری از این تعاونیها گزارش نشده و این در حالی است که در برخی از استانها فعالیت‌های این نوع از تعاونیها بسیار برجسته، اشتغال‌زا و درآمدزا بوده است. از سوی دیگر، با توجه به نقش تعاونیها در ایجاد اشتغال و تقویت کار گروهی در جامعه و سهم پیش بینی شده آن در اقتصاد جامعه (۲۵٪) و نظر به وجود برخی مشکلات حال حاضر همچون بیکاری، تورم، بازسازی و غیره در مناطق روستایی و کارکردهای مؤثر تعاونی دهیاری در اشتغال، تامین نیازهای اساسی، مشارکت روستاییان و توزیع امکانات به طور مساوی، لازم است چالشهای فراوری تعاونیهای دهیاری و نقش آنها در توسعه مناطق روستایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا ضمن بررسی نقاط قوت و ضعف آنها، راهکارهای منطقی در بطن مطالب مطرح شده ارائه گردد و در نهایت نتایج آن مورد استفاده نهادهای ذیربط و سیاستگذاران قرار گیرد و زمینه‌های شکوفایی و توسعه تعاونی دهیاریها در برنامه‌های توسعه لحاظ گردد و با اطلاع رسانی و ارتقای آگاهی روستاییان، آنان به مشارکت فعال در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود رهنمون شوند. همچنین از آنجا که در خصوص شرکتهای تعاونی دهیاری تاکنون هیچ‌گونه مطالعه و پژوهشی صورت نگرفته است، لذا این تحقیق با هدف شناسایی عوامل ساختاری- برون‌سازمانی تأثیرگذار بر رکود شرکتهای تعاونی دهیاریهای استان همدان به انجام رسیده است.

مبانی نظری تحقیق

«تعاونی نمونه‌ای از یک سازمان است که پیوسته با محیط خارج در ارتباط است و بر شرایط و عوامل بیرونی تأثیر می‌گذارد و از این رو، در مورد ساختار درونی آن نیز می‌توان همین استدلال را به کار برد» (نکویی نائینی و همکاران، ۱۳۸۸). عواملی که در خارج از فضای درون سازمان بر چگونگی و روند فعالیتها تأثیر می‌گذارند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اثربخشی نیروها، امکانات و منابع مؤثر خواهند بود در دسته عوامل برون‌سازمانی قرار می‌گیرند (همان منبع) که این عوامل عموماً برای تمام بنگاه‌های اقتصادی مشترک هستند (صفری‌شالی، ۱۳۸۴) و عبارتند از: نهادهای دولتی و غیر دولتی، سیاستهای دولت و ضعف حمایت دولت و مسئولان. از سوی دیگر، ساختار سازمانی مبین شیوه و روشی است که بر اساس آن افراد و مشاغل در یک سازمان به گونه‌ای سازماندهی می‌گردند که امکان انجام امور سازمانی فراهم می‌شود. این ساختار صرفاً از اجزای سخت‌افزاری نظیر افراد، گروه‌ها و ادارات ایجاد نشده است بلکه اجزایی نرم‌افزاری نظیر روابط بین اجزای سازمانی را نیز در بر می‌گیرد (زاهدی و خیراندیش، ۱۳۸۶). از جمله مهمترین عوامل ساختاری که بر فعالیت شرکت‌های تعاونی تأثیر گذارند می‌توان به قوانین و مقررات درون و برون سازمانی، نظام مشارکت و فرهنگ تعاون، نظام بازرسی و نظارت و نظام اطلاع‌رسانی و ارتباطات اشاره نمود. بدین منظور شناخت عوامل مؤثر بر رکود و عدم فعالیت تعاونیها، به ویژه تعاونی دهیاریها، بسیار مهم می‌باشد.

در زمینه بررسی دلایل عدم موفقیت و رکود تعاونیها پژوهشهای مختلفی صورت گرفته که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود. زادتوت آغاچ (۱۳۸۸) مهمترین علل و عوامل رکود تعاونیها را وجود مشکلات مالی و اقتصادی، ضعف حمایت دولت، وجود اختلاف نظر و سلیقه بین اعضا، ضعف تخصص و تجربه اعضا، کمبود مواد اولیه و ماشین‌آلات و تجهیزات، بالا بودن کارمزد بانکی، ضعف بازاریابی، عدم همکاری بانکها و ضعف قوانین مرتبط با حمایت از فعالیتهای تعاونی برشمرد.

کرباسی و همکارانش (۱۳۸۸) مهمترین دلیل تعطیلی و غیر فعال بودن تعاونیها را کمبود منابع مالی و اعتباری، کمبود نیروی انسانی متخصص، اختلاف بین اعضای هیئت مدیره و مسئله نبود فرهنگ تعاون ذکر کردند.

گراوندی و علی بیگی (۱۳۹۰) مشکلات مالی و قانونی، سیاستهای دولتی، مدیریت ناکارآمد، کمبود دانش و اطلاعات فنی را از علل رکود تعاونیهای پرورش گوساله در شهرستان کرمانشاه برشمردند.

ثمری و رسول زاده (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیدند که متغیرهای حمایت مالی دولت، پایین بودن مدت زمان دریافت وام، پایین بودن نرخ سود تسهیلات، ارتباط عاطفی و درونی اعضا، بازاریابی مناسب، تجهیزات و امکانات پیشرفت با موفقیت مدیران تعاونیها ارتباط معنی داری دارد.

گوهریان (۱۳۸۹) مهمترین مسائل و مشکلات شرکتهای تعاونی را این چنین برشمرده شده است: حضور پر رنگ دولت در بخش تعاون؛ ساختار نامناسب نهادهای مرتبط با بخش تعاون به خصوص اتاقهای تعاون؛ ساختار نامناسب نهادی برای فعالیت تعاونیها؛ تفاوت، تداخل و تناقض قوانین ناظر بر تعاونیها؛ عدم شفافیت رابطه دولت و تعاونیها.

بنتوراکی (Benturaki, 2000) سیاستهای مداخله گرانه دولت، نبود مردمسالاری و استقلال و خودگردانی، فقدان ساختار سازمانی کارآمد و عدم توانمندسازی اعضا را دلایل عدم موفقیت تعاونیهای روستایی تانزانیا عنوان نمود. همچنین گریپس راد و همکارانش (Gripsrud et al., 2001) مداخله دولت در امور تعاونیها را تنها در محدوده حفظ منافع اعضا در یک چارچوب قانونی، توجیه پذیر می دانند. لیدلاو (Laidlaw, 2000) نشان داد که ساختار سازمانی، تأمین نیاز اعضا، فراوری و بازاریابی محصولات، تولید انبوه و تأمین زیرساخت های محلی مورد نیاز سبب موفقیت تعاونیهاست. اونال (Unal, 2008) مهمترین عوامل تأثیرگذار بر عدم موفقیت تعاونیها در ترکیه را نبود همبستگی میان اعضا، فقدان سرمایه گذاری، پایین بودن سطح سواد اعضا و مدیران تعاونی، فقدان مدیریت مناسب و ناکافی بودن حمایت های دولتی می داند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی^۱ و روش تحقیق مورد استفاده در آن پیمایشی توصیفی^۲ است. جامعه آماری در این تحقیق شامل اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل ۲۴ شرکت تعاونی دهیاری استان همدان مشتمل بر ۴۱۰ نفر بوده که در شهرستانهای همدان، ملایر، بهار، اسدآباد، تویسرکان، نهاوند، رزن، فامنین و قروه درجین قرار گرفته‌اند. به منظور تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان^۳ استفاده گردید و ۲۵۷ نفر (شامل ۱۶۵ نفر از اعضا و ۹۲ نفر از مدیران عامل و هیئت مدیره) به عنوان نمونه جهت تکمیل پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات با توجه به نوع روش تحقیق پرسشنامه می‌باشد که با سؤالات بسته و باز تنظیم شده و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی با انتساب متناسب در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت. متغیرهای مربوط به عوامل رکود در سطح رتبه‌ای بررسی شدند. روایی پرسشنامه با نظر استادان و متخصصان مربوط تأیید گردید و به منظور تعیین پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ضریب آلفا بالای ۰/۸ به دست آمد که بیانگر مناسب بودن ابزار سنجش متغیرهاست. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط نمونه‌ها، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده گردید و در نهایت از انواع شاخصهای آمار توصیفی و تحلیل عاملی بهره گرفته شد.

بحث و تحلیل

سن کل جامعه مورد مطالعه بین ۲۲ تا ۶۲ سال متغیر است (با میانگین ۳۳/۴۹ و انحراف معیار ۴/۹۶۴). با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، میانگین سنی مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره تعاونیهای دهیاری ۳۳/۸۶ سال با انحراف معیار ۴/۰۳۴ و میانگین سنی اعضای تعاونیهای دهیاری ۳۳/۲۹ سال (انحراف معیار = ۵/۴۱۵) می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۹۶/۷ درصد اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل مرد و فقط ۳/۳ درصد آنها زن بوده‌اند. از این

-
1. Applied Research
 2. Descriptive Survey
 3. Krejcie and Morgan

رو می‌توان گفت که اکثریت وظایف مدیریتی در این شرکتها بر عهده مردان می‌باشد. یکی از دلایل این امر، انتخاب کمتر دهیار زن در روستاهای استان می‌باشد که خود جای بحث و بررسی دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد ۹۰/۳ درصد از اعضای تعاونیهای دهیاری مورد مطالعه مرد و ۹/۷ درصد با فراوانی ۱۶ نفر زن بوده‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده درباره سطح تحصیلات هیئت مدیره و مدیران عامل، ۳۴/۸ درصد از آنان دارای مدرک دیپلم بوده‌اند. همچنین ۳۱/۵ درصد افراد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۳۲/۶ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۱/۱ درصد نیز دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. جدول ۱ اطلاعات کاملی درباره سطح تحصیلات اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل ارائه نموده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی هیئت مدیره و مدیران عامل بر حسب سطح تحصیلات

هیئت مدیره و مدیران عامل		سطح تحصیلات
درصد	فراوانی	
۳۴/۸	۳۲	دیپلم
۳۱/۵	۲۹	فوق دیپلم
۳۲/۶	۳۰	لیسانس
۱/۱	۱	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۹۲	جمع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

دارا بودن سطح تحصیلات بالا در مدیریت و اداره شرکت تعاونی بسیار حائز اهمیت است، زیرا به هیئت مدیره و مدیر عامل این امکان را می‌دهد که قوانین و اصول تعاون را مطالعه نموده و آگاهی کامل از بحث قوانین، آیین‌نامه‌ها، روشها و فنون مدیریت و ارتباط با سازمانهای دیگر داشته باشند. همچنین نتایج تحقیق حاکی از آن است سطح سواد ۵۲/۱ درصد اعضای شرکتهای تعاونی دهیاری، با فراوانی ۸۶ نفر دیپلم، ۲۰ درصد فوق دیپلم، ۲۶/۱ درصد لیسانس و ۱/۸ درصد با کمترین فراوانی (۳ نفر) فوق لیسانس و بالاتر بوده است.

تحلیل عوامل ساختاری - برون‌سازمانی مؤثر بر رکود شرکتهای تعاونی دهیاری

تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی از روشهای آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌هاست و استفاده از آن تعداد آزمونها و ابزارهای اندازه‌گیری را تا حد زیادی ساده می‌کند. با وجود توانمندی این روش، داده‌هایی برای تحلیل عاملی کاربرد دارند که شایستگی لازم جهت این کار را داشته باشند. بدین منظور آزمون بارتلت و ضریب KMO برای عوامل ساختاری - برون‌سازمانی محاسبه گردید. ضریب KMO با توجه به جدول ۲ برای عوامل ساختاری - برون‌سازمانی برابر با ۰/۸۰۳ و سطح معنی‌داری آزمون بارتلت برابر ۰/۰۰ به دست آمد که نشان می‌دهد داده‌ها برای استفاده از تحلیل عاملی مناسب هستند.

جدول ۲. مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت عوامل ساختاری - برون‌سازمانی

مقدار	آماره
۰/۸۰۳	KMO
۲۷۹۸/۳۴۳	آزمون بارتلت
۰/۰۰	سطح معنی‌داری

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق نتایج تحلیل عاملی عوامل ساختاری - برون‌سازمانی، هفت عامل تأثیرگذار استخراج و شناسایی شدند (جدول ۳). عامل تسهیلات به تنهایی ۱۱/۴۲۲ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل ساختاری - برون‌سازمانی مؤثر بر رکود را تبیین می‌کند و در اولویت اول قرار دارد. در این عامل ۴ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: نرخ بالای سود بانکی، منابع ناچیز پرداختی بانکها، تأخیر در پرداخت اعتبارات از سوی بانکها و مؤسسات مالی و وجود موانع اداری در پرداخت تسهیلات (جدول ۴). این موارد در حقیقت، توان اقتصادی این تعاونیها را کاهش داده و مانع از حضور فعال آنها در عرصه‌های عمرانی و اجرایی شده‌اند.

عامل اطلاعاتی ۱۰/۶۲۵ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل ساختاری- برون‌سازمانی تأثیرگذار بر رکود را تبیین می‌کند و در اولویت دوم قرار می‌گیرد. در این عامل ۴ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: کمبود مطالعات علمی در خصوص تعاونیهای دهیاری، ضعف سیستم اطلاع‌رسانی در این تعاونیها، فقدان بانک اطلاعاتی مورد نیاز تعاونیها و عدم اتصال به شبکه‌های اطلاعاتی و اینترنتی.

عامل ساختار سازمانی ۱۰/۲۶۵ درصد از تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کند و در اولویت سوم عوامل ساختاری- برون‌سازمانی مؤثر بر رکود قرار می‌گیرد. در این عامل ۴ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: فقدان الگوی مشخص جهت شرح وظایف و خدمات، ضعف قوانین و مقررات در این تعاونیها، ضعف فرهنگ همکاری و تعاون در تعاونیهای دهیاری و فقدان نظم سازمانی و آیین‌نامه‌های مشخص.

عامل سیاستی- حمایتی دولت ۹/۶۱۱ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل ساختاری- برون‌سازمانی مؤثر بر رکود را تبیین می‌کند و در اولویت چهارم قرار می‌گیرد. در این عامل ۳ متغیر ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: ضعف حمایت‌های مالی دولت، ناکافی بودن حمایت‌های قانونی دولت، سیاست‌های مداخله‌گرانه دولت.

عامل نهادی- دولتی ۷/۳۰۰ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل ساختاری- برون‌سازمانی مؤثر بر رکود را تبیین می‌کند و در اولویت پنجم قرار دارد. این عامل ۲ متغیر عدم پیگیری مسئولان جهت فعال شدن این تعاونیها و بی‌اعتمادی نهادهای دولتی به توان شرکت تعاونی را پوشش می‌دهد.

عامل نظارتی- آموزشی ۶/۳۶۹ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل ساختاری- برون‌سازمانی مؤثر بر رکود را تبیین می‌کند و در اولویت ششم قرار دارد. در این عامل ۲ متغیر با بار عاملی بیش از ۰/۵ ایفای نقش می‌کنند که عبارتند از: عدم نظارت و کنترل کافی مراجع ذیصلاح بر عملکرد تعاونیهای دهیاری و فقدان آموزشهای لازم جهت تأسیس و راه‌اندازی تعاونیهای دهیاری.

عامل هفتم، عامل شورای اسلامی می‌باشد که ۶/۱۴۶ درصد از تغییرات واریانس کل عوامل ساختاری- برون سازمانی تأثیرگذار بر رکود را تبیین می‌کند و شامل ۲ متغیر عدم موافقت شوراهای اسلامی با استفاده از ادوات در تعاونیهای دهیاری و ناهماهنگی بین دهیاری و شورای اسلامی است.

جدول ۳. مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده مربوط به عوامل ساختاری- برون سازمانی

ردیف	نام عامل	مقادیر ویژه اولیه		مقادیر ویژه چرخش یافته	
		مقدار	درصد واریانس	مقدار	درصد واریانس
۱	عامل اول: تسهیلات بانکی	۵/۹۶۲	۲۲/۹۳۰	۲/۹۷۰	۱۱/۴۲۲
۲	عامل دوم: اطلاعاتی	۲/۸۸۲	۱۱/۰۸۵	۲/۷۶۳	۱۰/۶۲۵
۳	عامل سوم: ساختار سازمانی	۲/۱۴۶	۸/۲۵۴	۲/۶۶۹	۱۰/۲۶۵
۴	عامل چهارم: سیاسی-حمایتی دولت	۱/۴۱۹	۵/۴۵۹	۲/۴۹۹	۹/۶۱۱
۵	عامل پنجم: نهادی-دولتی	۱/۳۲۲	۵/۰۸۶	۱/۸۹۸	۷/۳۰۰
۶	عامل ششم: نظارتی-آموزشی	۱/۲۴۱	۴/۷۷۴	۱/۶۵۶	۶/۳۶۹
۷	عامل هفتم: شورای اسلامی	۱/۰۷۹	۴/۱۵۱	۱/۵۹۸	۶/۱۴۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴. عوامل و متغیرهای تشکیل دهنده و میزان بارهای عاملی به دست آمده از

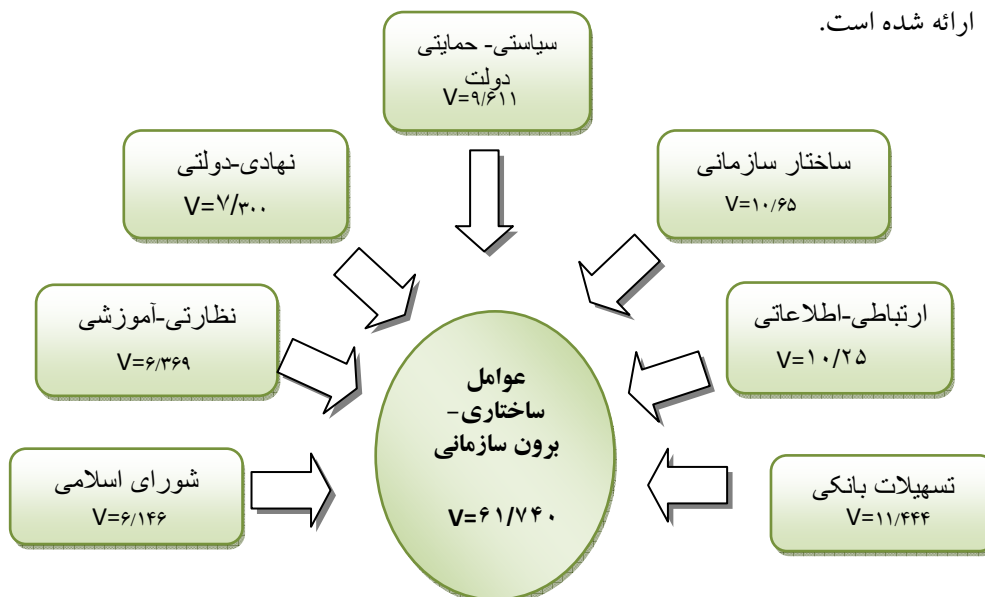
ماتریس دوران یافته

عامل	متغیرها	بارعاملی
عامل تسهیلات بانکی	بالا بودن نرخ کارمزد و سود تسهیلات بانکی	۰/۷۳۸
	ناچیز بودن منابع پرداختی بانکها (صندوق تعاون)	۰/۷۵۷
	تاخیر در پرداخت اعتبارات از سوی بانکها و مؤسسات مالی	۰/۷۰۹
	وجود موانع اداری در پرداخت تسهیلات بانکی	۰/۵۰۱
عامل اطلاعاتی	کمبود مطالعات علمی در خصوص تعاونیهای دهیاری	۰/۶۸۵
	ضعف سیستم اطلاع رسانی در تعاونیهای دهیاری	۰/۷۴۹
	فقدان بانک اطلاعاتی مورد نیاز تعاونیهای دهیاری	۰/۷۴۱
	عدم امکان اتصال به شبکه‌های اطلاعاتی و اینترنتی	۰/۷۴۰
عامل ساختار سازمانی	فقدان الگوی مشخص جهت شرح وظایف و خدمات در تعاونی	۰/۶۴۰
	ضعف قوانین و مقررات مرتبط با تعاونیهای دهیاری	۰/۷۲۱
	ضعف فرهنگ همکاری و تعاون در تعاونیهای دهیاری	۰/۶۸۹
	فقدان نظم سازمانی و آیین نامه‌های مشخص در تعاونی	۰/۷۴۳
عامل سیاسی- حمایتی دولت	ضعف حمایت‌های مالی دولت	۰/۷۱۲
	ناکافی بودن حمایت‌های قانونی دولت در عمل	۰/۷۷۲
	سیاست‌های مداخله گرانه دولت در امور تعاونیها	۰/۵۶۲
عامل نهادی- دولتی	عدم پیگیری مسئولان جهت فعال شدن این تعاونیها	۰/۷۶۴
	بی‌اعتمادی نهادهای دولتی به توان شرکت‌های تعاونی دهیاری	۰/۷۶۰
عامل نظارتی- آموزشی	عدم نظارت و کنترل مراجع ذیصلاح به بر عملکرد این تعاونیها	۰/۷۴۸
	فقدان آموزش‌های لازم جهت تأسیس این تعاونیها	۰/۵۹۶
عامل شورای اسلامی	عدم موافقت شوراهای اسلامی با استفاده از ادوات	۰/۷۰۷
	ناهماهنگی بین دهیاری و شوراهای اسلامی	۰/۷۱۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مطابق یافته‌های تحقیق، مدل تجربی عوامل ساختاری- برون‌سازمانی به صورت شکل ۱

ارائه شده است.



شکل ۱. مدل تجربی عوامل ساختاری- برون‌سازمانی مؤثر بر رکود تعاونی دهیارها

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با استناد به نتایج تحقیق می‌توان بالا بودن نرخ سود بانکی و ناچیز بودن منابع پرداختی بانکها و تأخیر در پرداخت اعتبارات را از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر ناکارآمدی و رکود تعاونیهای دهیاری دانست. در حقیقت عدم تمایل نظام بانکی در ارائه تسهیلات به تعاونی دهیاری و نرخ بالای سود تسهیلات و همچنین تأخیر در پرداخت تسهیلات از سوی بانکها و مؤسسات مالی به ویژه بانک توسعه تعاون، توان اقتصادی این تعاونیها را کاهش داده و انگیزه حضور فعال در عرصه‌های عمرانی و اجرایی را از آنها گرفته است که این نتیجه در تحقیق زادتوت آغاچ (۱۳۸۸)؛ پهلوانی و همکارانش (۱۳۸۷)؛ خفایی (۱۳۸۸) و ثمری و رسول زاده (۱۳۸۷) مورد تأیید قرار گرفته است. در عامل اطلاعاتی ضعف سیستم اطلاع‌رسانی به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر رکود تعاونی دهیارها شناخته شد. در واقع با توجه به نقش اطلاعات روزآمد در تصمیم‌گیری‌های مناسب و برنامه‌ریزی برای فعالیتهای آینده شرکتهای تعاونی

دهیاری، ضعف سیستم اطلاع‌رسانی در این تعاونیها مانعی مهم جهت تداوم فعالیت و حیات این تعاونیها محسوب می‌گردد که این یافته در تحقیقات سعدی و همکارانش (۱۳۸۶)؛ پهلوانی و همکارانش (۱۳۸۷)؛ خفایی (۱۳۸۸)؛ منصور بستانی و همکارانش (۱۳۸۸) و ترکمان و افشار (۱۳۸۹) مورد تایید قرار گرفته است.

مطابق نتایج تحقیق، ضعف قوانین و مقررات مرتبط با تعاونیها از جمله عوامل ساختاری- برون‌سازمانی تأثیرگذار بر رکود تعاونی دهیاریها می‌باشد. از آنجا که قوانین تعاونی دهیاری بدون توجه به کارکردها و گستردگی عرصه فعالیت‌های این تعاونیها و مشارکت دهیاران به عنوان ذینفعان این قوانین تدوین شده است، به نظر می‌رسد با توجه به نقش انکارناپذیر این تعاونیها در فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی، مانعی جدی در مسیر رشد و موفقیت تعاونی دهیاریها تلقی گردد که این عامل با نتایج پژوهشهای زادتوت آعاج (۱۳۸۸) و بستانی و همکارانش (۱۳۸۸) مطابقت دارد. همچنین متغیرهای دیگر این عامل یعنی ضعف فرهنگ تعاون و همکاری در تعاونی دهیاریها در تحقیق کرباسی و همکارانش (۱۳۸۸) و متغیر فقدان نظم سازمانی و آیین‌نامه‌های مشخص در تحقیق لیدلاو (۲۰۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است.

رابطه دولت و تعاونیها می‌تواند در چهار قالب نظارت، هدایت، حمایت و یا دخالت باشد. دخالت دولت در امور اجرایی تعاونیها از جمله آفتهایی است که می‌تواند مانع رشد و توسعه تعاونیها باشد، با این حال نظارت، هدایت و حمایت تعاونیها به طور کنترل شده و تا جایی که منجر به دخالت در امور آنها نشود، پذیرفتنی است و می‌تواند مفید باشد. بر اساس نتایج تحقیق، ضعف حمایت‌های مالی دولت از تعاونی دهیاریها به عنوان مهمترین متغیر عامل سیاستی مؤثر بر رکود این تعاونیها مطرح شده است. به نظر می‌رسد به دلیل فقدان منابع مالی کافی به منظور فعالیت تعاونی دهیاریها در عرصه‌های گوناگون، در صورت عدم حمایت‌های مالی دولت، رکود و در نهایت شکست این تعاونیها امری اجتناب‌ناپذیر و قطعی خواهد بود. به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در حال حاضر اکثر تعاونی دهیاریها از ضعف ساختاری رنج می‌برند که در صورت نهادینه شدن ساختارهای مناسب اداری و

تشکیلاتی میزان موفقیت آنها بیشتر خواهد بود؛ عبارتی ارائه خدمات و حمایت‌های اداری و مالی از طریق دولت به ویژه در سالهای اول تأسیس می‌تواند ضامن بقا و موفقیت تعاونی دهیارها باشد.

مطابق نتایج تحلیل عاملی، سیاست‌های نادرست و مداخله‌گرانه دولت در امور تعاونی دهیارها یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رکود می‌باشد که به نظر می‌رسد دولت در خصوص راه‌اندازی تعاونی دهیارها از رویکرد مطلق‌گرایی، بدون توجه به شرایط و مقتضیات مناطق و دهیاران استفاده کرده است و در عمل بدون تدوین قوانین ویژه و انعطاف پذیر با توجه به شرایط و مقتضیات دهیاران به صورت دستوری به راه‌اندازی این تعاونیها مبادرت ورزیده است. حتی حیطه دخالت به سایر امور هم نفوذ کرده و با برقراری جوی اداری و بروکراتیک، ورود به حوزه اختیارات تعاونی و به مخاطره افتادن اصل استقلال تعاونی دهیاری را به همراه داشته است که این عامل به عنوان یکی از متغیرهای عامل سیاستی - حمایتی در تحقیقات آگهی (۱۳۸۴)؛ گوهریان (۱۳۸۹)؛ ناظمی و همکارانش (۱۳۸۸)؛ گراوندی و علی‌بیگی (۱۳۹۰)؛ بنتوراک (۲۰۰۰) و گریپس راد و همکارانش (۲۰۰۱) مورد تأیید قرار گرفته است.

با توجه به نتایج این پژوهش، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- توصیه می‌گردد نرخ سود بانکی پرداختی به تعاونیها با توجه به کارکردهای عام این بخش از قبیل تقویت همکاری در جامعه، اندکی کمتر از سایر بخشها (بین ۲-۴ درصد) باشد.
- با توجه به ضرورت برقراری تعامل و ارتباطات مؤثر بین تعاونی دهیارها و سایر ارگانها پیشنهاد می‌شود شبکه‌های اطلاعاتی جامعی بین تعاونیهای مذکور و بخشدارها و سایر نهادهای مرتبط به منظور تسهیل امر اطلاع‌رسانی شکل گیرد.
- از آنجا که در خصوص تعاونی دهیارها قوانین مدون و جامعی موجود نمی‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد این قوانین هرچه سریعتر توسط نهادهای ذیربط با در نظر گرفتن وسعت فعالیتها و توان اجرایی بالای این تعاونیها در عرصه مدیریت روستایی تدوین گردد.

- به منظور تقویت فرهنگ تعاون و همکاری توصیه می‌گردد تمهیداتی اندیشیده شود که منافع فردی دهیاران در راستای منافع تعاونی قرار گیرد تا بدین ترتیب از طریق ترغیب و تشویق دهیاران، تعامل و همکاری در تعاونی تقویت شود. به عبارت دیگر، در عمل لازم است قوانین ویژه و انعطاف‌پذیری با توجه به شرایط و نیازهای دهیاران تدوین شود و انگیزه‌های فردی دهیار نیز مدنظر قرار گیرد تا تمامی منافع حاصل از تلاشهای دهیار صرفاً نصیب دهیاری نگردد.

- در خصوص حمایت‌های مالی دولت از این تعاونیها توصیه می‌گردد حمایت‌های دولت در قالب ارائه تسهیلات بلندمدت و کم بهره و بخشودگیهای مالیاتی در تعاونیهای دهیاریها انجام شود تا بدین طریق زمینه‌های رشد و توسعه این تعاونیها فراهم شود و از انحلال و فروپاشی آنها پیشگیری به عمل آید. همچنین پیشنهاد می‌شود نهادهای دولتی از جمله بخشداریه‌ها و فرمانداریه‌ها اصل استقلال تعاونیها را رعایت نمایند تا از دخالت در امور این تعاونیها اجتناب شود. برای درک این مسئله بهتر است دوره‌های آموزشی توجیهی در این رابطه برای بخشداران و سایر مدیران مرتبط برگزار شود. همچنین لازم است با توجه به اهمیت و ضرورت آموزش مناسب برای دهیاران، آموزشهای افزایش‌دهنده مشارکت مردم و دهیاران و روحیه همکاری و تعاون به طور منظم برای دهیاران برگزار شود.

پیشنهاد برای تحقیقات آینده

از آنجا که در خصوص تعاونی دهیاریها تا کنون هیچ‌گونه تحقیقی انجام نگرفته است و این نوع از شرکتهای تعاونی دارای گستره عظیم و متنوعی از وظایف و خدمات مرتبط با امور عمرانی، بهداشتی، رفاهی، بازاریابی محصولات کشاورزی، اشتغالزایی و آموزش نیروی انسانی و غیره در مناطق روستایی می‌باشند، نیازمند بررسی و مطالعات بیشتری هستند؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آینده به بررسی نقش و کارکرد شرکتهای تعاونی دهیاریها در مناطق روستایی به طور دقیق و مفصل پرداخته شود.

منابع

۱. آگهی، ح. (۱۳۸۴). نقش دولت در مدیریت تعاونیها. اولین کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه، دانشگاه یزد، اردیبهشت ۱۳۸۴.
۲. اداره کل تعاون استان همدان (۱۳۸۹). آمار و اطلاعات مربوط به شرکت های تعاونی دهیاری. بانک اطلاعاتی تعاونی های استان.
۳. پهلوانی، م.، کریم، م. ح. و قربانی، ح. (۱۳۸۷). بررسی و نظر سنجی درباره مشکلات و توانمندیهای بخش تعاون در استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۱، صفحات ۱۰۱-۱۲۹.
۴. ترکمان، م. و افشار، م. (۱۳۸۹). بررسی نقاط قوت و ضعف مدیران و راه های بهبود مهارت های مدیریتی در شرکت های تعاونی استان همدان. مجله تعاون، سال بیست و یکم، شماره ۲، صفحات ۱۱۱-۱۲۷.
۵. ثمری، ع. و رسولزاده، ب. (۱۳۸۷). بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر افزایش انگیزه پیشرفت و کسب موفقیت در مدیران تعاونی ها. نشریه مدیریت دولتی، شماره ۱، صفحات ۳۳-۵۰.
۶. خفایی، ب. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت شرکت های تعاونی بخش کشاورزی در شهرستانهای بوشهر و دشتستان. مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۲، صفحات ۷۳-۸۸.
۷. زاد توت آغاج، ا. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر رکود تعاونی های غیر فعال شهرستان زنجان و راهکارهای لازم جهت احیای آنها. مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۶ و ۲۰۷، صفحات ۵۹-۷۶.
۸. زاهدی، ش.ا. و خیر اندیش، م. (۱۳۸۶). تبیین عوامل ساختاری در اقتصاد دانش محور. فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوم، شماره ۶، صفحات ۴۹-۶۹.
۹. سعدی، ح.ا.، اعظمی، م. و کریمی، س. (۱۳۸۶). آسیب شناسی تعاونی های تولید کشاورزی در ایران. مجله جهاد، سال بیست و هفتم، شماره ۲۷۷، صفحات ۶۱-۸۲.

۱۰. صفری شالی، ر. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی استان تهران. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه. اردیبهشت ۱۳۸۴. دانشگاه یزد. ص ۷۹-۹۸.
۱۱. فیلین، س. و بودوریس، ک. (۱۳۸۸). بررسی اجمالی اصلاح قانون و مقررات تعاون در هفت کشور جهان. ترجمه علیقلی حیدری. مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، صفحات ۱۱۹-۱۴۷.
۱۲. کرباسی، ع.، یعقوبی، م. و شهابی، ش. (۱۳۸۸). بررسی مشکلات طرح‌های تعاونی نیمه تمام در استان سیستان و بلوچستان. مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، صفحات ۵۵-۷۰.
۱۳. گراوندی، ش. و علی‌بیگی، ا.ح. (۱۳۹۰). علل رکود تعاونی‌های پرورش گوساله در شهرستان کرمانشاه: مطالعه موردی تعاونی ۳۴۸. تعاون، شماره ۵، صفحات ۶۸-۷۷.
۱۴. گوهریان، ف. (۱۳۹۰). گزارش بررسی مسائل و مشکلات شرکت‌های تعاونی اعتبار با رویکرد اصلاح قانون بخش تعاون. تهران: دفتر مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان).
۱۵. لهسایی زاده، ع. (۱۳۸۸). مدیریت روستایی معاصر در ایران، مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، صفحات ۴۹-۶۷.
۱۶. منصور بستانی، ر.، حیدری، ع. و صدیقی، ح. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر ترویج و توسعه فرهنگ تعاون در استان سیستان و بلوچستان، مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، صفحات ۳۵-۵۳.
۱۷. ناظمی، ش. ا.، فیاضی، م. و نوری، ع. (۱۳۸۸). بررسی ابعاد و نتایج کمک‌های دولت به تعاونیهای تولیدی: مورد مطالعه تعاونی‌های تولیدی استان خراسان رضوی. پژوهش نامه مدیریت تحول، شماره ۱، صفحات ۱۳۲-۱۵۳.
۱۸. نکویی نائینی، ع.، علی‌بیگی، ا.ح. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۸). واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونیهای روستایی شهرستان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴، صفحات ۱-۲۲.
۱۹. همایونی، م. (۱۳۸۸). تعاونی دهیاران گامی به سوی توسعه پایدار در روستا. ساری: انتشارات شلفین.

20. Benturaki, J. (2000). *Cooperatives and poverty alleviation*. IDS TEMA. England.
21. Gripsrud, G., Lenvik, G.H., & Olsen, N.V. (2001). *Influence activities in agricultural cooperatives: The impact of heterogeneity the food sector in transition – Nordic Research*, Proceedings of NJF Seminar. No. 313. Norwegian Agricultural Economics Research Institute.
22. Laidlaw, A. F. (2000). *Cooperatives in the year 2000*. the 27th Congress of International Co-operative Alliance. ICA. pp 13-14. London.
23. Unal, V. (2008). A comparative study of success and failure of fishery cooperatives in the Aegean. Turkey. *Journal of Applied Ichthyology*, 25(4), 394-400.